

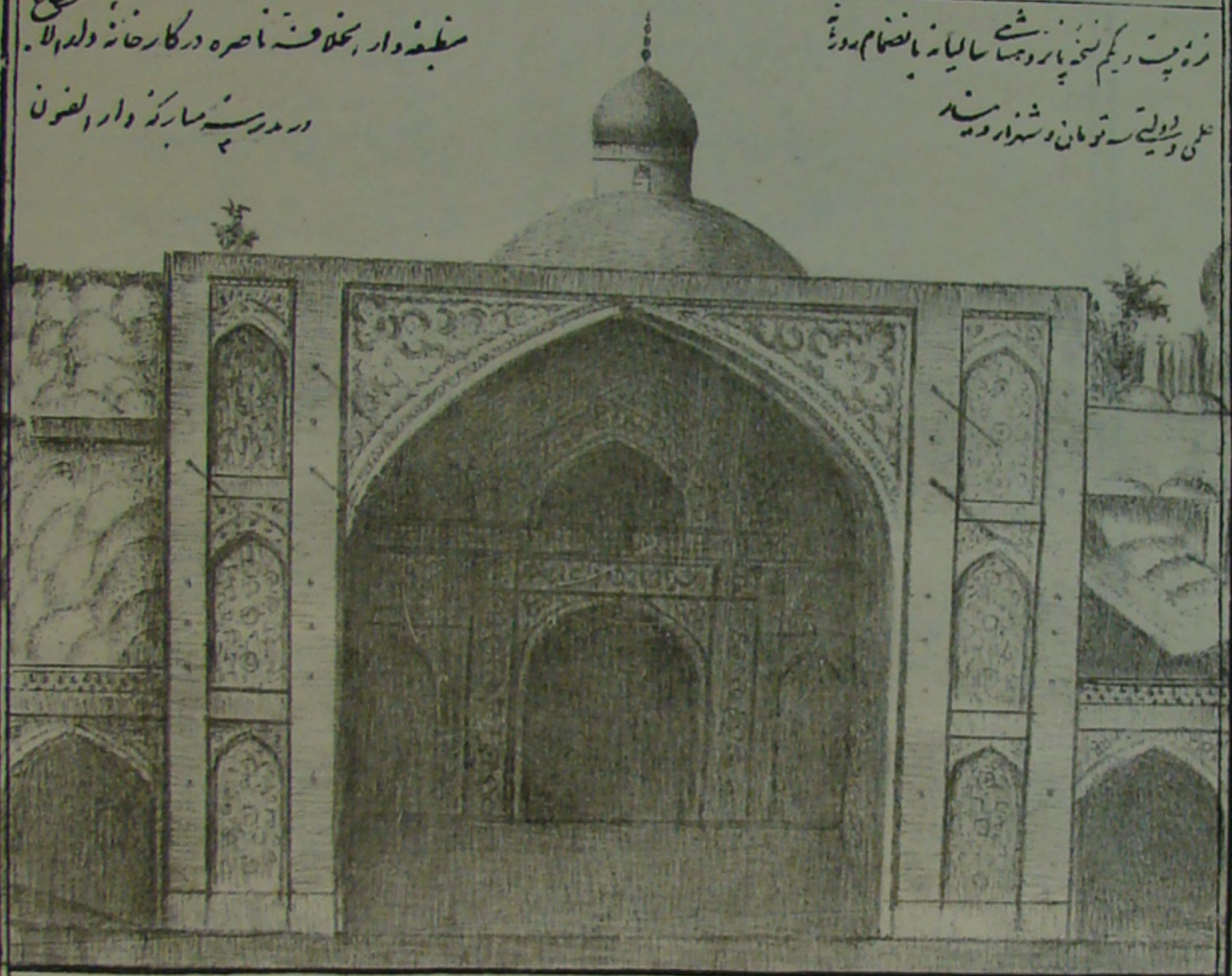
# روزنامه ملتی

شماره ۲۱

پانجمین روز جمعه هجرت هجری الاولی مطابق پنجمین روز دویست و دو پنجمین

مجلسه دار عتبات ناصره در کارخانه دولتیه  
در روز سه شنبه و در انجمن

از پیش در یک پنجمین روز هجرت هجری الاولی  
علی و ولایت توکل و شهادت



ترجمه میرزا رضای کشته از قواعد مجمع القمه که مقرب الخاقان کشته طولوزان مرتب نموده

چون حضرت اقدس شیرازی حکم بر بنای مجمع القمه برای مالک خود دادند کشته طولوزان حکیمانی امیر سبانی او نمودند و بلند مرتبه  
حکیمانی و مخصوص صاحب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه گفت کوفته که میرزا عسقلانی و میرزا حسین و میرزا رضا حکیمانی شیرازی  
اقدس شیرازی میرزا عبدالوهاب اجرا مجلس کشته در همین خواست قبول شده و حضرت پادشاهی کشته طولوزان را مجلس  
و میرزا اعلی طبیب را مترجم متراد دادند

بخاکش رئیس روزنامه فی القعه المحرم ۱۲۸۴ هجری مجمع القمه برپا شد درین روز فیس بان نمود که خواست حضرت پادشاهی ارپا  
این مجلس است که در آنجا گفتگو شود از مسائل معتدله بجهت عافیت ایران از نگاه اری جمع بلدان این محکمت را از امراض شایعه و دوائی  
موافق میل پادشاهی اذن جناب میرزا سعید خان رئیس مجلس دعوت نمودند و در مجلس مجمع القمه میرزا شیخ طبیب حافظ القمه و سادده در  
بهی فریب و یوکاسانی طبیب حافظ القمه و سادده در کت علی عثمانی را در همین وقت کشته شد که هرگاه من بعد هم طبیب حافظ القمه دیگر  
اندول غاری ایران امور شوم ایشان نیز مانند اطباء سیاسی اندک و جل مجلس میسر اندک دیدیم اجرا خارجه و ناصح القول  
قواعد مجلس

فصل اول مجمع الصحه كسب از يك رسيس ديگر ترجمه و اجرا عايد ايراني و طبيا حافظ الصحه مامور از دول خارج  
 فقره دوم رسيس مجلس را ميگشايد و پسند و عمل روز را معين مينمايد و در ميان مسائل از آنكه بايد گفتگو شود مشخص ميشود  
 رسيس عايد باشد يا نتواند حاضر گردد و پس از آن كتر نماي ايراني و حكيمباشي مجلس حضرت پادشاهي حاجي اورا ميگشايد  
 فقره سيم مترجم بايد گفتگوي مجلس انوشه و ترجمه نموده بخواند و منيستواند گفتگو در مجلس نمايد و نه داخل ابي و مديكان شود  
 فقره چهارم اجرا عالين ايراني گفتگو نمايد و در وقت مكنند و زماني ميدهند در هر مسلكه تعلق اين مجلس داشته باشد  
 فقره پنجم اجرا طبيا حافظ الصحه مامور از دول خارج همسره اين برتريها را در ذكر الزام را مي خستيارند كه بايشان ربط نماند  
 اما اين حق ادا نكند كه عقايد ايشان در مسائل بدون كم و زياد و عيبيها در روزنامه گفتگوي مجلس نوشته شود  
 فقره ششم آنچه را كه در مجلس قول مينمايد بعضي اولياي دولت عليه ميرسد تا اگر ميل كنند حكم با اجرايش دهند  
 فقره هفتم مجمع الصحه عهده كرده بر پايه و در نما ميگشايد رسيس لازم بداند اعلام نمايد براي گفتگوي در مجلس بان و پايه اقبال نموده  
 فقره هشتم شغل روزهاي مجلس از غير ارباب خواندن و در گفتگوي مجلس سابق و قبول آن خواندن مراسلات اعلام كردن خبر بايكي  
 منقعي براي مجلس داشته باشد رسيس مي تواند داخل مجلس نمايد هر كسي را كه چيز با منقعي براي مجلس جمع كرده نوشته باشد تا آنكه نوشته خود را  
 براي اهل مجلس بخواند مباحه كردن در مسائلي كه اركار آن در است  
 اين قواعد پاياني كه در ابتدا در مجلس دوم ذي القعدة ۱۲۸۴ هجري خوانده و قبول كرده بود بطلان ميرسد  
 بحضور حضرت اقدس شهبازي در پياده شده تا قبول ابي متور كردد

دستور العمل حافظ الصحه دولت عليه ايراني است كه مقرب الخاقان و كتر طو لوزان حكيمباشي حضور همايون بوجه مختصار  
 بحباب وزير امور خارج نوشته است  
 بحباب وزير امور خارج زمانيكه حضرت اقدس شهبازي خلد ملكه جان نشا را مامور بانقاع و مجمع الصحه در در بخلا و طهرا  
 فرمودند معلوم بود كه راهي مبارك همايون شهبازي تمام به حيا حافظ الصحه براي اير خلافت بود بلكه منظور نظر مبارك حسبي آن آيد در  
 تمام بلاد محروپه ايران بود بخصوص شهبازي چگونگي حفظ صحت آنها بمجمل اجري آن به پسر در آن موضع باصوبت و در خصوص ارا عايد  
 مجمع تا كيون ارا دت شعار اهتمام منع نموده است از ايندكان بحباب جلالهتاب هسته عايد كه از هر بلده خبر نامهاي حفظ صحت پوسته  
 مجمع الصحه برسد بخصوص امراض شايعه دين است عايد توسط كاركار ارا جلا تهاب و دوي انجام يافت بسيار خوشم از ايندكان جلا تهاب  
 مستحتم نمايم كه اخبار ناميكه تا كيون ارا طبيا رسيده زودي تا عده نوشته شده ليكن در عايد كا نظم قافوي لازم است كه پس از اين كار ارا است  
 انجام كرده و بختي كه در خصوص مري از به اسپر لانه مزمزم شود كه توسط بندگان بحباب جلالهتاب مراتب معروضه خاكپاي مبارك عرض شود  
 اجرا حفظ صحتي كه اكون از ممالك محروپه ايران ميرسد مقبول مجمع الصحه است ليكن شهبازي در آنها كفايت نميگشايد بلكه بايد در بر بلدي طبيا حضور

ماهور برای انجام آن اسپر در زمان بد شدن مرض عام و دوابی اطباء مکرره تیسرانی را که از مجمع الصحه آنها سپید باد بکار  
 همیشه آنها معلوم شود و این اطباء لازم است که ماموریت خود را بدانند و از آثار کار و دستور مخصوصی داشته باشند  
 قرار مجمع الصحه برین شد که مواضعیکه بودن اطباء حافظ الصحه برای آنها لازم است نه تنها شهرهای بزرگ و عمده و داخل ایرانت  
 بلکه بودن آنها در شهرهای نیز لازم است زیرا که از امتحان آنها که از پنجاه سال اکنون شده آشکار شد که مرزها ناسیکه و با در  
 ایران ظاهر شده از شهرهای سپید عبور کرده است دکتر میرزا حسین در کتابچه که مطابق با شورا می جمع الصحه  
 مرتب کرده نوشت مواضعی که از شهرهای را که در آن موضع اطباء حافظ الصحه لازم است و در خصوص مختصری برای اطلاع  
 بندگان عالی قیوسه

اولاً و بازمند بافقانتان عبور نموده از سپید شهرهای ایران شهابشید یازده سپید  
 که استخوان زیاد و خاک ایران آباد دولت عثمانی متصل یکدیگر شهرهای لازم است محافظت آنها  
 که با نشان سپید اوسته فونی است درین شهر سال آخر از چند شهر محکمت عثمانی که گرفتار با بود مانند  
 بغداد و یار بکر ارزند اردوم و بعضی از مواضع دیگر و بازمین سپید مذکور بایران رسیده بر بندگان  
 جلالتاب پوشیده نیست که در آخر پانزده سال هزار و دویست و هشتاد و دو نخستین موضعی که گرفتار باشد که با نشان  
 بود موضع دوم که در هجرت هزار و دویست و هشتاد و سه مملکت کردید ساو جلعان کرمی بود و از آنجا مرض و با بار و دست و پرتز  
 سرایت نموده مردمان ابلی اندازند و از با چکان مالک بود و مرض در راه میان تبریز و دار الخلافه منحنی مانده در باستان  
 هزار و دویست و هشتاد و چهار هجری آشکار شده با در اختلاف و کسبلان و مارندران و خراسان سید و چون در محکمت  
 ایران فونی برای نگاشتن شماره مردگان نیست لهذا نمیتوانیم عدده آنها را بگنجانیم معین کنیم مع ۴۰ چنان سیدیم  
 که عدده تمام این مردگان کمتر از صد هشتاد و هفت نفر بود بر بندگان جناب جلالتاب بود است که در دار الخلافه شهاب چه  
 مردمان بهلاکت رسیده و شدت سزای این مرض بر همه واضح شد چنانکه با وجود آنکه آردوی طفر شهاب هر که مسار و  
 مواضع مرتفع بود و تن از لکه اذکان حضرت اقدس شاهنشاهی حدیث از خدام حرم گرفتار شدند پس باید این چشم زخمی که  
 بایران رسید بویست و تجرب و امتحان سپید گرفت و باید تفکر نمود که آیا ممکن بود منع این بار از ایران کنند یا نه و اگر از علوم  
 این زمان و یا از فحول اطباء در خصوص سوال کنند جواب خواهند گفت که احتمال قویست که بواسطه مرتب نمودن در سپید  
 و قوانین مخصوصه که بزرگی استکام صحیح انجام داده شود و بهیچ مندرود یکی از امراض سپید مانند بار که در سپید  
 آنها شهری بواسطه عبور سیاحتان کار و آنها و زوار است پس اگر بگاه لزوم در مسابرمقینه و مشخصه عبور مال التجاره  
 و یا کاروان زوار راه عن منع نمایند می توان متعهد شد که این که در خارج مانده سزایت سلا و داخل نخواهند  
 در زمان حبه ای اسپر علیه معلقه باین مطلب واضح است که گاهی برخی از اعمال صعب و عمده اتفاق می افتد

که منافع بهترین است اسرطه را پامیل میکند و تکلیف جمع الصحه شایسته اذن بندگان جناب جلالته است این مطلب  
هم که با مرضی است که نقل میشود بواسطه مال التجاره و مخصوص مردمان از بلادیکه گرفتاربان میشد بشریکه از کزند  
آن محوظند و پیش این مطلب که برای محوظ داشتن شهر را از وبال لازم است قدغن شود مردمانیکه از شهرهای  
دیوانی میرسند داخل بان شهر گردند پس بندگان عالی اشکار است که در صورت پدید آمدن با در مملکتی عمل طبها حافظ  
پسار عمده و مهم است **مالک** شمال مملکت ایران یعنی نزدیک سرحد و پس ایران بزرگتر و بهتر شهر برای  
ماذن اطباء حافظ الصحه تبریز و اردبیل است رابعاً در جنوب مملکت ایران مقام لازم برای طب است مگر در  
بندرهای خلیج فارس است که گشتهای هند و عربستان و بصره با موضع دارد و میشود مواضع عمده این بندر مانند  
عباسی و بندر بوشر است و سایر بندر با معنی به نیت مجمع الصحه در خصوص فواید و صعوبت نظهای قراقینی  
که در پسردهای خالی در یابی مملکت ایران بکار بسیار آمل و فکر نمود و تمام آن فواید و امور مشکوک را با یکدیگر  
سنجیده بالاخره رای مجمع بر آن شد که با عاز کار تکالیف شایسته دولت نباید اظهار نمود بلکه اکتفا میکنیم  
با پستهای بعضی از امور که انجام آنها بسیار لازم و مهم است و این عراض نوعی اظهار شده که بر ما واضح  
که انجام آنها بر بندگان جناب جلالته بی نهایت آسان خواهد بود بدین تفصیل اولاً تعیین اطباء حافظ الصحه  
از خاکهای مبارکه حضرت شایسته است عا میکنیم که برای بعضی از شهرهای لازمی طب حافظ الصحه معین مایند و  
هر یک از آنها را الموقوف فرمانی درین ماموریت داده شود و اگر پس از چند زمانی قابلیت آن اطباء برای این ماموریت  
در مجمع الصحه ثابت شد بندگان جناب جلالته فرمان جمعی از دولت قاهره علیه بجهت ایشان صادر خواهد نمود و  
ماموریت مذکور نسبت بچند شهر بسیار سهل است چه طبانی که در آن بلاد پیشه سعی و اهتمام اعراضا بسطه و در علوم  
و در پسردها که دار الفنون تربیت شده و ترقی کرده اند در مجمع الصحه معروف و مقبولند و از مجلس استعدا  
میشود که همان طب را برای آن بلاد اختیار کنند و بلاد مزبور بدین تفصیل است **تبریز** که مالکان آن زنجان  
همدان مشهد سمنان سپاری شیراز بوشر شوشتر کرمان کاشان صفهان و معرق باحوال  
اطباء حومی دارومیسه و غیره نداریم و در خصوص لازم است که بندگان جناب جلالته از حکام ادب باچان  
ویز و عنیه بخوانند که طب قابل عالم هر یک ازین بلاد را که عرض خواهد شد معین نمایند نیز بندگان  
جناب عالی که اطباء حافظ الصحه را اطلاع دهند از اینکه در صورت بروز لیاقت و ثبوت قابلیت آنها پس از  
چند ماه در مجمع الصحه فرمان جمعی برای آنها فرستاده خواهد شد  
عمل اطباء حافظ الصحه در عاز کار شفاف پس اذن خبر نامه از امراض شایع آن بلاد است ماهی ده و فقه توسط  
در ارتا مور خارج و اگر مرضی خطرناک و عام مانند وبا و اماکن مجاوره مگر آن اشکار کردد باید بزودی مگر آن

دکار  
انت  
و بار  
جمع الصحه  
اطلاع  
عربی  
ر  
ند  
بندگان  
رسانا  
تبریز  
رستان  
در مملکت  
ان سید  
شاه چهره  
رکوسارو  
بین چشم زخمی  
و اگر از علوم  
نمودن مد  
ر کند چر  
بدر مال التجاره  
و اوله  
ناقای هسته

خبر و جدا نگاه با حکمران بلد و نظم حافظه لفظی کنند تا بر وجه اتم و اکل جاری کرده و مرض بکاه یا محمد و شود این عمل  
 پس از رسیدن دستور مخصوص مجمع الفقه با آنها بسیار آسان خواهد شد فهرست موضوعات این مطالب آن مواضع میسر و  
 معروفند و مجمع الفقه اسپد نامیکند که همانها جهت یا شوند باین عریضه فرستاده میشود و مسوده لغوی فرستاده  
 برای آن اطباء صادر شود با تخمین دستور یک مجمع الفقه برای آنها داده شده نیز ارسال میگردد صورت بلا و یکدیگر  
 طبیب معروفند نیز معروض داشتیم که توسط بندگان جناب جلال کتاب از حکام آن بلاد سوال شود که اگر طبیب با فاقه  
 در لیاقتی در آن بلاد باشد اطلاع دهند تا با عرض اخیر که بر بندگان جناب جلال کتاب اتمام آن لازم است مطلق  
 به ترجم مجمع میرزا تقی طبیب است که در در پسته مبارکه دار الفنون تربیت شده نزد اوقات شاعر تحصیل کرده اند که بواسطه  
 معظمت و ارسنی و دستام خود و در اسپتعد و دو قابلمی که در آموختن همه علمها داشت عورت یا فقه است چنانکه با گذارم  
 در این سینه او را برای دولت قاره علیه ایران معین کنیم مانند اشخاصیکه در دولت مابنی اندازه بزرگ شده شرت یا فقه با  
 در جرسیده ندر زبان فرانسه را بصرافت طبع خود چنان آموخته که اخبار نامهای مجمع الفقه را بر زبان فرانسه و چون هیچ  
 عیب و نقص نیویسد و هم چند سال است که حسب الامر مشغول ترجمه کتابهای علمیه مخصوصه حضرت اقدس شاهنشاهی بوده  
 و خود او نیز درین اوقات پادشاه را در خصوص شخص انواع و هسه با و اشخاص خاصه شده و علاج آنها تصیف نموده است  
 بواسطه معلومات مذکوره و هسه را آنجهت که بودن آن در مجمع الفقه ای لازم است آید عاید شود که موجب آنچه تومانت  
 دوست تو مان شود که کمتر ازین اسپد کی برای انجام مور مجمع الفقه نخواهد داشت و این اولین و نخستین است که اظهار  
 لازم بود و امیدواریم که حضرت اقدس شاهنشاهی قبول فرماید و فرمود

سواد محفوظه فرمان اطباء حافظ الصمغی که خطاب بحکام ولایات صادر و انفاذ شده است

راحت کامله اقصای این اورد که رعایا و برابای ممالک محدود ایران انجاست خداوند متعال از طرق امراض مسریه و  
 اسقام مهلکه و منسه تا مردی که مقده باشد بمید اسباب موثره بر اینیم بقصدیق طبای حاذق ایرانی تربیت شده در  
 فرنگستان فرنگستانی که در دربار معدن دارهایون پیشد برای حفظ صحت عمومی چاره و تدبیری اتخاذ نفرمائیم تا چنانکه  
 تجربه معلوم شده است امراض شایعه در ممالک ایران از ترزاید و نقصان گذارد حصول این مقصود عاقبت محمود چون با بقا و  
 مجلس صحتیه در دار الخلافه مرکب از طبای ایرانی و فرنگی و تعیین طبیب حاذق در سر یک از بلاد ممالک محدود پس منوط بود با اطلاع  
 وزارت خارجه این دولت بر ریاست معرب انجاقان حکیم طولوزان حکیم شای و معود همایون با مجلس مزبور موسوم بحیص الصمغی منعقد  
 و از طبای مزبوره معین گردیدند اولایاتی که تعیین طبیب حاذق در آنجا لازم شده است آنولایت و از طبای آنجا فسلان را  
 که از جانب دولت علیه مامور است اجازت اشخاص فرودیم و بطلب حافظ الصمغی مشرف داشتیم تکلیف حالیه مش رالیه درین  
 ماموریت اینست که در هر ماه دو نوبت امراض شایعه آنجا و اماکن نزدیک آنرا چه خود معین کنند و چه با قوال معتمده کتبه از طبای  
 دیگر روزنامه بنویسد و بخصوص تعیین کند که خود معلوم نموده و یا از طبیبی با هم در سپیم شنیده است امراضی که اطباء مجلس جمیع  
 الصمغی میخوانند مطلع باشند تا خوشیهای مستعد داشته باشند ازین قبیل خواهد بود در چند نوع از تنهایی دائمی و نوبه و

اول - سپه خج - شرب - باد سنج - سقا قلو پس

حسداج اسهال ذویستفارا

غیره و در فضیله سپه را قبل و با باید آهلا آرده پسال قبل و اگر ممکن شود پیشتر از آنرا معلوم کند که آیا چند دفعه ناخوشی مزبور  
 در آنجا ظاهر گشته و در هر دفعه در کدام پسال بوده است و ما چند وقت طول کشیده و از کدام جانب  
 و از کجا سرایت با آنجا کرده بود و آیا مرض میقتد که شمشه بر باات نیز در آنجا آبر در کرده و میکند و هر سال ظاهر شود  
 یا بندرت اتفاق می افتد در میان آنچه مشا را لیه خود مشا کرده است بنویسد تا از گفته  
 دیگران البته چنین روزنامه معضل و مشدوح در غمیت هر جا پار بوزارت امور  
 خارج آید و لت باید فرستاده شود که بحج الصمغی خواهد رسید حکم همایون  
 مارا از معتمد ار بطیب مزبور ابلاغ نماید و حسب المعز  
 مرتب داشته در عهده شانه

قرنی شریح الشانی

۱۲۸۵

صورت نام شهر ایلیک طبیبانها معروف جمع الصحه و مامور از جانب دولت قاهره علیه اند و مجمع الصحه انهارا

باسم اطباء حافظ الصحه اختیار نموده

تسیر زمینوسا نیوک دیرکایت مامور از دولت ایران بسیار شایسته این منصب است

شیراز سیوفا قزین که قدیمترین و کثرت در ایران در مملکت فارس بطبابت و شجاعت و هوش معرفت

که مانا نام میرزا زین العابدین که تربیت شده در پشه مبارک دارالفنون و اکنون حکیمباشی مخصوص نواب اشرف امجدالدوله است و رئیس مجمع الصحه که از فاطت و آگاه است مخصوصا در ویرا میکند چه طبیب کار آزموده است که

مایه فواری وطن خود است و بهر منصبی که او را اسرافرا کند بخوبی از عهد بر می آید

مشهد میرزا مصطفی تربیت شده در پشه مبارک دارالفنون و حکیم باشی مشهد

اصفهان میرزا نسیح حسین که مامور صفهان است لیکن مراجی برای او برقرار شده است

بندر ابوشهر میرزا سید علی تربیت شده در پشه مبارک دارالفنون سپاری میرزا حسن که با موجب مخصوص دیوانت

همدان میرزا حبیب الله تربیت شده در پشه مبارک دارالفنون و حکیمباشی مخصوص مامور بلده طیبیه

زنجان میرزا رضا تربیت شده دارالفنون و مامور مخصوص نجان

شوشتر و ذوقول میرزا سید حسن حکیمباشی نواب اشرف ارفع امجد و الاحتمت الدوله

سمنان میرزا احمد که درین اوقات خبر نایطیبیه صحیح مجمع الصحه فرستاده و معلوم است که مامور از جانب دولت

و موجب داروینان کاشان میرزا عبد الرحیم که اکنون مقیم در طهران و با میل خود عازم

کاشان است درین مجمع از اختیار کرده و بدون موجب دیوانت

صورت نامی موضعی که اطباء آن مواضع معروف مجمع الصحه است تعیین طیب حافظ الصحه کجسته آن مواضع لازم است

ارسیل استرآباد یزد خوی پشه رشت دامغان کرمان اردبیل

قزوین بارفروش فیابور بندر عباس محمره قم

هرات که دو سال پیش ازین در مشورتخانه حافظ الصحه ایسلا مبول اطباء هر دو دولت مخصوصا مذکور

دشده که اگر دولت قاهره علیه ایران طیبی در آنجا داشته باشد بسیار سود مند خواهد بود

در این کتاب

تکلیف است

در این باب

بدرستی  
و عازم

در این باب  
در این باب

در این باب